

## قاعده امکان و کاربرد آن در زمینه امور فقهی و حقوقی زنان<sup>۱</sup>

دکتر نقیبه

عضو هیأت علمی مدرسه عالی شهید مطهری

### چکیده

قاعده فقهی «کل دم یمکن ان یکون حیضاً فهو حیض وان کان اصغر او غیره» از قواعد مهم فقهی اختصاصی زنان است. این قاعده به صورت یک گزاره فقهی همواره مورد عنایت فقها بوده است ولی طرح آن به عنوان یک قاعده، امری است که کمتر بدان توجه شده است. فقیهان برای حجیت قاعده امکان به ادله‌ی اصل سلامت، روایات، سیره متشرعه، اجماع، عرف استناد نموده‌اند که تنها، دلالت برخی از روایات بر مفاد قاعده قابل پذیرش است. این قاعده مانند قاعده طهارت و حلیت متضمن اصل عملی و حکم ظاهری است در شمول قاعده نسبت به شبهات موضوعیه تردیدی وجود ندارد ولی فراگیری آن نسبت به شبهات حکمیه محل تأمل است. عبادات مهم‌ترین زمینه کاربردی قاعده امکان به شمار می‌روند، با این وجود این قاعده در مناسبات حقوقی زنان نظیر نکاح و طلاق نیز مؤثر می‌باشد.

### واژگان کلیدی

قاعده فقهی، حیض، امکان، اصل عملی، حکم ظاهری، شبهه موضوعیه، شبهه حکمیه، امور

عبادی، حقوق زنان

۱- کار ارزیابی مقاله در تاریخ ۸۳/۳/۹ آغاز و در تاریخ ۸۳/۳/۱۶ به اتمام رسید.

مضمون عبارت «کل دم بیکمکن ان یکون حیضاً فهو حیض»). از جمله گزاره‌هایی است که در متون فقهی فقهای متقدم و متأخر بدان تصریح شده است.<sup>۱</sup> بر اساس این قاعده هر خونی که از رحم زن در سن حیض (۹ الی ۵۰ یا ۶۰ سالگی) جاری گردد و احتمال داده شود که حیض است چنانچه دلیلی عقلی یا شرعی مبنی بر عدم حیض بودن آن در اختیار نباشد، حیض به شمار می‌آید؛ مگر این که خلاف آن ثابت شود.

این مفهوم و گزاره از آن جهت که متضمن حکم شرعی است، می‌تواند به صورت مسأله فقهی یا قاعده فقهی مطرح گردد ولی با عنایت به تطبیق آن با معیارهایی چون «واقع شدن در طریق استفاده احکام شرعی به وسیله تطبیق کلی بر جزئی» (الخویری، ۱۴۰۰ هـ، ج ۱، ص ۸) یا «کلیت و گستردگی» یعنی دارای مصادیق متعدد و مسائل گوناگون بودن (الشهبید الاول، بی تا، ج ۱، ص ۳) یا «فرمول بسیار کلی بودن و منشأ استنباط احکام محدودتر واقع شدن» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵ هـ، ج ۵، ص ۵۱۳) یا «کلی بودن موضوع حکم شرعی که شامل موضوع خاص نیز باشد» (البجنوردی، ۱۳۱۹ هـ، ج ۱، ص ۵) یک قاعده فقهی است.

فقیهان این قاعده را در متون فقهی، در کتاب طهارت مطرح نموده‌اند. بدیهی است ارائه مبانی و احکام عبادی مترتب بر آن در کتاب طهارت به معنای تضییق وسعت کاربرد آن در عبادات نیست؛ بلکه در زمینه معاملات یعنی احوال شخصییه نظیر طلاق و نکاح نیز این قاعده کاربردهایی دارد، به عنوان مثال چنانچه زنی بعد از طلاق دو حیض را طی کند و در مرتبه سوم خونی را ببیند ولی نسبت به حیض بودن آن تردید نماید و دلیل عقلی یا شرعی مبنی بر عدم حیض بودن آن خون در دست نداشته باشد، باید با استناد به قاعده

---

۱- (الطوسی، کتاب الخلاف، ۱۴۰۲ هـ، ص ۲۰۷؛ المحقق الحلی، شرایع الإسلام، ۱۴۰۲ هـ، ص ۲۹؛ العلامة الحلی، نهاية الاحکام فی معرفة الاحکام، ۱۴۰۱ هـ، ص ۱۱۸؛ ابن ادریس حلی، کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۱۴۱۰ هـ، ج ۱، ص ۱۴۷؛ الشهيد الاول، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، ۱۴۱۲ هـ، ص ۹۷؛ الموسوی سبزواری، مهذب الاحکام فی بیان الحلال والحرام، ۱۴۱۳ هـ، ج ۳، ص ۱۷۱؛ شیخ الانصاری، کتاب الطهاره، ۱۴۲۲ هـ، ج ۳، ص ۳۱۸؛ النجفی، جواهر الکلام، ۱۹۱۵، ج ۳، ص ۱۶۳؛ الحکیم، مستمسک العروة الوثقی، ۱۳۸۸ هـ، ج ۳، ص ۲۴۲).

امکان خود را حیض به شمار آورد، در این صورت بعد از اتمام مدت حیض عده طلاق او پایان می‌یابد و وی می‌تواند ازدواج نماید. بنابراین قلمرو قاعده امکان را نباید به عبادات منحصر نمود.

از آنجایی که این قاعده متضمن حکم شرعی ظاهری ناظر بر ویژگی طبیعی حیض در زنان است، از قواعد اختصاصی زنان به شمار می‌آید، لذا بررسی آن در مباحث طبیعی، حقوقی و عبادی اختصاصی زنان اجتناب ناپذیر است. برای دستیابی به کاربردهای فقهی و حقوقی قاعده بایسته است مفردات، مفاد ادله و مواردی از فروعات مورد بررسی قرار گیرد.

## گفتار اول - مفردات و مفاد قاعده امکان

### ۱- حیض

یکی از واژه‌های کلیدی که در قاعده «کل دم یمکن ان یکون حیضاً فهو حیض» به کار گرفته شده است، واژه حیض است. حیض ویژگی طبیعی است که بر نوع زنان عارض می‌گردد و آن عبارت از جدا شدن و فرو ریختن مخاط داخل رحم به درون آن است که سبب پارگی و خونریزی رحم و خروج آن از طریق واژن می‌گردد، این خون را خون حیض می‌نامند.

در عرف از حیض به رگل یا قاعدگی نیز تعبیر می‌شود در تعالیم دینی، زنی که در شرایط قاعدگی قرار دارد، حائض خوانده می‌شود و برای حائض احکام خاصی مترتب می‌باشد. شرایط، ویژگیها و صفات خون حیض را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

بعد از سن ۹ سالگی باشد.

قبل از سن یائسگی باشد. مراد از زن یائسه، کسی است که از خون دیدن و آوردن

فرزند ناامید باشد (الحرالعاملی، ۱۳۹۱ هـ، ج ۲، باب ۳۱ العدد الطلاق).

از سه روز کمتر نباشد (همو، ج ۲، باب ۸، ابواب الحیض؛ همو، ج ۴، باب ۱۰).

از ده روز بیشتر نباشد (همو، ج ۴، باب ۵ و ۱۰، ابواب الحیض).

متوالی و پی در پی باشد (همو، ج ۳، باب ۱۴).

حداقل بین دو حیض ده روز فاصله شده باشد (همو، باب ۱۰-۱۱).  
در سه روز استمرار داشته باشد<sup>۱</sup> (الحر العاملی، ۱۳۹۱، ج ۶، باب ۸).  
خون گرم، غلیظ، سرخ و یا سرخ مایل به سیاهی باشد و بیرون آمدن آن با فشار و کمی سوزش همراه باشد (همو، ج ۱-۳، باب ۳، ص ۲۷۵).

## ۲- امکان

یکی دیگر از واژه‌های مهم در قاعده «کل دم یمكن ان یکون حیضاً فهو حیض» واژه امکان است. واژه امکان در معانی متعددی به کار رفته است. پسوندهایی چون عام، خاص، استعدادی، وقوعی، احتمالی، قیاسی و ... مبین معانی متفاوت امکان می‌باشند. برخی عالمان معتقدند مراد از واژه امکان در قاعده مذکور امکان وقوعی در مقابل امتناع است. یعنی هر خونی که از رحم زن سریان یابد، ممکن است در واقع حیض باشد و دلیل عقلی یا شرعی بر عدم حیضیت آن در دست نباشد، در عالم اثبات حیض به شمار می‌آید در صورتی که خلاف آن ثابت نشود آثار حیض بر آن مترتب می‌گردد (البجنوردی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۸) بنابراین خون ساری از رحم زن غیر قریشیه‌ای که سن او ۵۵ سال است حیض به شمار نمی‌آید. زیرا در روایات دلیل بر عدم حیضیت آن وجود دارد.

بعضی از فقها، مراد از واژه امکان را امکان قیاسی دانسته‌اند. شیخ انصاری (ره) در این زمینه معتقد است خون دیده شده با مقایسه به جمیع قیود وجودی و عدمی که شارع در زمینه حیض اعتبار نموده یا احتمال داده می‌شود که در زمینه صدق حیض وجوداً یا عدماً در نزد شارع مؤثر باشد چنانچه دلیلی بر نفی آن در دست نباشد حیض به شمار می‌آید (شیخ انصاری، ۱۴۲۲ هـ، ج ۳، ص ۳۲۵) یعنی بعد از مقایسه با جمیع قیود وجودی و عدمی مانند توالی و استمرار خون در سه روز و جاری شدن بعد از سن ۹ سالگی، رعایت حداقل زمان بین دو حیض و عدم وقوع آن در سن یائسگی و قبل از نه سالگی و ...، دلیلی بر عدم حیض بودن در اختیار نباشد آن خون حیض محسوب می‌گردد. بنابراین

---

۱- فرق توالی و استمرار آن است که در توالی، هدف سه روز پشت سرهم آمدن و در استمرار باید خون دیدن (از نظر عرف) در تمام مدت این سه روز ادامه یابد و قطع نشود.

چنان که زنی خونی را ببیند و نسبت به قید وجودی توالی آن تردید داشته باشد، می‌تواند به استناد قاعده امکان خود را حائض بداند.

برخی از فقها معتقدند که مراد از واژه امکان، امکان احتمالی است (همدانی، ۱۴۲۰ هـ، ج ۴، ص ۶۵-۶۶) و بعضی دیگر بر این باورند که امکان وقوعی و احتمالی در واقع به امکان قیاسی بازگشت می‌نماید (الموسوی السبزواری، ۱۴۱۳ هـ، ج ۳، ص ۱۷۱). برخی از فقها معتقدند که مراد از امکان در کلمات فقها تنها امکان قیاسی است (الخویی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۶، ص ۲۴۸-۲۴۹). بعضی دیگر مراد از آن را امکان عام به معنای سلب ضرورت از جانب مخالف برای حکم دانسته‌اند، یعنی ضرورت ندارد که حیض نباشد. بنابراین خونی که احتمال حیض بودن داشته باشد ضرورت حیض نبودن در آن منتفی است (شهیدثانی، ۱۴۱۳ هـ، ج ۱، ص ۵۹) عده دیگری از فقها مراد از امکان را امکان شرعی دانسته‌اند (المراغی، ۱۴۱۷ هـ، ج ۱، ص ۵۱۰) به نظر ما مراد از امکان در عبارت فقها «کل دم یکمن ان یکون حیضاً فهو حیض» امکان قیاسی شرعی است، زیرا با جمیع قیود وجودی و عدمی که شارع برای حیض اعتبار نموده است مورد مقایسه قرار می‌گیرد. چنانچه دلیلی بر عدم حیض بودن در اختیار نباشد، آن خون حیض به شمار می‌آید.

## گفتار دوم - مستندات قاعده امکان

فقها برای اثبات قاعده امکان به دلیل یا دلایلی استناد نموده‌اند که می‌توان آنها را در یک جمع بندی به این عناوین خلاصه نمود: ۱- اصل سلامت؛ ۲- عرف ۳- سیره متشرعه؛ ۴- عدم امکان حکم به حیض بودن خون مشکوک الحیضیه در فرض عدم پذیرش قاعده امکان؛ ۵- روایات.

در این گفتار هریک از این مستندات به اجمال و اختصار ارائه و مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

**۱- اصل سلامت:** بر اساس این اصل، رحم زن بالغه غیر یائسه در هر ماه به مدت ۵ الی ۷ روز دچار خونریزی می‌شود که در برخی از افراد تا ۱۰ روز ادامه می‌یابد. فاصله بین آغاز دو حیض معمولاً حدود یک ماه یا ۲۸ روز می‌باشد. حداقل مدت بین دو حیض

ده روز است. استناد کنندگان به اصل سلامت معتقدند که عقلا با در نظر گرفتن طبیعت و سلامتی رحم زن بالغه غیر یائسه، خونی را که او می‌بیند و منعی نیز برای حیض شمردن آن وجود ندارد، حیض به شمار می‌آورند. اصل سلامت از اصولی است که مردم به آن اعتماد و اتکا می‌نمایند. قاعده امکان در حقیقت به این اصل عقلایی بازگشت می‌نماید، یعنی همان گونه که اصل اولیه اقتضاء دارد آبی که از چشم جاری می‌شود اشک باشد، خونی را که از رحم خارج می‌شود، نیز حیض به شمار می‌آید (الموسوی السبزواری، ۱۴۱۳ هـ، ج ۳، ص ۱۷۳). برخی بر این باورند که این اصل از اصولی است که مردم در امور زندگی دنیایی و اخروی به آن تکیه می‌نمایند (الهمدانی، ۱۴۱۷ هـ، ج ۴، ص ۶۶).

در نقد استدلال به اصل سلامت برای اثبات قاعده امکان می‌توان گفت اولاً- خونی که از رحم جاری می‌شود ضرورتاً حیض نیست بلکه ممکن است حیض باشد یا نباشد؛ ثانیاً- سلامتی رحم علت تامه برای حیض شمردن خون محسوب نمی‌گردد، زیرا فقها خون جاری از رحم سالم زن یائسه یا غیر بالغه را حیض ندانسته‌اند، ثالثاً- اگر برای زنی که خون از رحم او جاری شده است، نسبت به حیض بودن خود ظن حاصل شود، دلیلی بر اعتبار این ظن در دست نیست، بلکه مشمول عموم آیه «ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً» (یونس، ۳۶) بوده و در نتیجه نمی‌توان خون را حیض به شمار آورد (البجنوردی، ۱۳۸۹ هـ، ج ۱، ص ۲۰ - ۲۱).

ممکن است در تفسیر اصل سلامت گفته شود خونی که از رحم زن غیر بیمار سریان پیدا می‌کند، غالباً حیض به شمار می‌رود و برای انسان نسبت به حیض بودن آن اطمینان عرفی به دست می‌آید؛ بدین جهت عقلا و عرف در صورتی که به مانعی دست نیابند، خون ساری از رحم سالم را حیض به شمار می‌آورند و به سایر احتمالات اعتنا نمی‌کنند (الهمدانی، ۱۴۱۷ هـ، ج ۴، ص ۷۳). این تقریر و تفسیر نیز از اصل سلامت معیارهای قطعی بدست نمی‌دهد تا هر زنی را که خونی دیده است به اعتبار غلبه خون حیض بر دیگر خونها، حیض به شمار آورد. و اصولاً در این تقریر به اصل سلامت به معنای حقیقی آنکه همانا سلامتی رحم می‌باشد، تکیه نشده است بلکه این تقریر از اصل سلامت بر غلبه خون حیض بر دیگر خونها مبتنی می‌باشد.

در مقابل، برخی از عالمان گفته‌اند اگر مراد از اصل سلامت غلبه باشد دلیلی بر حجیت آن وجود ندارد و لذا اگر بخواهیم اصل مذکور را در مورد خون فاقد صفات حیض جاری نماییم محل تأمل است همچنین اگر اصل مذکور را به معنای استصحاب عدم قرح بدانیم این استصحاب، استصحاب عدم ازلی است که حجت نمی‌باشد و حتی اگر استصحاب عدم ازلی را حجت تلقی نماییم این استصحاب عدم ازلی با استصحاب عدم حیضیت معارض می‌باشد، لذا نمی‌تواند حیض بودن را اثبات نماید (الحکیم، ۱۳۹۱ هـ، ج ۳، ص ۳۳۳). علاوه بر آن اگر سلامت رحم دلیل بر حیض بودن خون جاری از آن است از چنین رحمی نباید خون استحاضه سریان پیدا کند، زیرا در برخی روایات خون استحاضه خونی به شمار آمده است که از رحم بیمار و علیل صادر می‌شود به هر حال غلبه خون حیض، علت تامه برای به شمار آوردن خون مشکوک الحیضیه به حیض نمی‌باشد. بنابراین اصل سلامت را نمی‌توان مبنای قاعده امکان قرار داد.

**۲- عرف:** برخی از فقها عرف را از مستندات قاعده امکان دانسته‌اند<sup>۱</sup> آنان معتقدند که در عرف، خونی که زن در سن حیض می‌بیند، در صورتی که دلیلی بر عدم حیض بودن آن در دست نباشد خون حیض می‌باشد زیرا مفاهیمی چون حیض که موضوع حکم شرعی عدم جواز اقامه نماز یا عدم جواز ورود به مسجد و مانند آن قرار گرفته است، مفاهیم عرفیه هستند. بدیهی است مرجع تشخیص و تحقیق این مفاهیم خود عرف است. اگر عرف خونی را حیض بدانند، طبیعتاً شارع، آثار مربوط به آن را بر آن مترتب می‌سازد. چنان که غنا موضوع حکم شرعی حرمت استماع قرار گرفته باشد یک مفهوم عرفی است، بنابراین اگر عرف غنا بودن موسیقی‌ای را اذعان نماید نمی‌توان آن را استماع نمود. بدیهی است مستمع غنا بعد از اذعان عرف به غنا مستوجب عقاب اخروی و مجازات دنیوی تعزیر می‌باشد «لکل اثم حد او تعزیر». حیض نیز مانند غنا یک مفهوم عرفی است که با تحقق عنوان عرفی آن باید به آثار شرعی مربوط ملتزم بود. ولی استدلال مذکور بر قاعده امکان تمام نمی‌باشد، زیرا: اولاً- حیض از موضوعات و امور تکوینی است که با احراز آن از ناحیه خود مکلف یا کارشناس مربوط احکام آن بر حائض مترتب می‌گردد؛ زیرا

---

۱- رک: الحکیم، ۱۳۹۱ هـ، ج ۳، ص ۲۲۴

موضوعات احکام به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ موضوعات یا مانند حکم از ناحیه شارع دارای اعتبار می‌شوند مانند نماز، روزه و زکات که از آنها می‌توان به موضوعات شرعی یاد نمود یا موضوعات از مقوله امور اجتماعی مانند عقد هستند که موضوعات عرفی به شمار می‌آیند که مرجع تشخیص آن عرف می‌باشد یا موضوعات احکام، امور تکوینی مانند بلوغ، رشد و حیض هستند که مرجع تشخیص آن خود مکلف یا عرف خاص یعنی کارشناسان مربوط می‌باشند. بنابراین نمی‌توان حیض را یک موضوع عرف عام دانست و آن را از مصادیق موضوعات عرفی به شمار آورد.

ثانیاً- بر فرض پذیرش عرفی بودن مفهوم حیض، باید عنایت داشت که مفاهیم عرفیه از نظر حدود، توسعه و تضییق، تابع تلقی عرف هستند ولی تطبیق آنها با مصادیقشان در عالم خارج بر عهده عقل می‌باشد نه عرف.

ثالثاً- قاعده امکان خود مشتمل بر یک حکم ظاهری است که مکلف را از بن بست و تردید رهایی می‌بخشد. اگر حیض مفهوم عرفی باشد، تنها برای مواردی است که شک در آن نباشد ولی در خونهایی که مشکوک به حیض هستند چنین بنای عرفی حجت و معتبر نمی‌باشد؛ زیرا حجیت چنین بنایی نیاز به امضای شارع دارد و دلیلی بر امضای شارع از این عرف در دست نمی‌باشد.

**۳- سیره متشرعه:** سیره متشرعه از جمله ادله‌ای است که برخی فقها در قاعده امکان بدان استناد نموده‌اند، مراد از سیره همانا بنای عملی تمام مسلمانان از آن جهت که مسلمانان هستند می‌باشد بدیهی است اگر سیره‌ای یقیناً به زمان معصوم منتهی شود به نحوی که خود معصوم نیز عامل به آن باشد مانند عمل به خبر ثقه، حجت و معتبر می‌باشد یا چنانچه سیره عملی یقیناً به زمان معصوم رسیده اگرچه معصوم عامل به آن نبوده ولی آن را امضاء فرموده باشد حجت خواهد بود، ولی سیره‌هایی که به عصر معصوم منتهی نمی‌شود یا انتهای آن به زمان معصوم مشکوک باشد، نمی‌تواند منبع و مدرک یک قاعده به شمار آید. در زمینه قاعده امکان نیز، برخی از عالمان معتقدند که متشرعه، خونی را که از رحم زن در سن حیض جاری می‌شود، چنان که دلیل معتبری بر عدم حیض بودن آن وجود نداشته باشد، حیض به شمار می‌آورند (شیخ انصاری، ۱۴۲۲هـ، ج ۳، ص ۳۳۱). در پاسخ



استدلال مذکور گفته شده است که اگر چه تحقق چنین سیره‌ای، از مسلمات است ولی اعتبار آن منوط به این است که اولاً- کاشف از رأی معصوم باشد یعنی معصوم بدان عمل نموده یا آن را امضاء کرده باشد؛ ثانیاً- از باب رعایت احتیاط شکل نگرفته باشد؛ ثالثاً- مستند به ادله شرعیه مانند آیات و روایات نباشد. در حالی که سیره متشرعه مذکور چه بسا مبتنی بر روایات مأثوره در این زمینه باشد (البحنوردی، ۱۳۸۹ هـ، ج ۱، ص ۲۳؛ الحکیم ۱۳۹۱ هـ، ج ۲، ص ۲۳۴).

لذا با وجود روایات نمی‌توان به سیره متشرعه به عنوان یک دلیل مستقل نگریست و آثاری مستقل از روایات را بر آن مترتب ساخت.

#### ۴ - عدم امکان حکم به حیض بودن خون مشکوک به حیض در فرض عدم

**پذیرش قاعده امکان:** بهاء الدین محمد بن حسن اصفهانی معروف به فاضل هندی در کتاب «کشف الثام» آورده است که اگر قاعده امکان معتبر نباشد، نمی‌توان به حیض بودن خون مشکوک به حیض حکم نمود، زیرا غالباً برای انسان نسبت به حکم حیض یقین حاصل نمی‌گردد و دلیل دیگری نیز از اصل و اماره که دلالت بر حیض بودن آن داشته باشد، در دست نیست. لذا ناچاریم به قاعده امکان اذعان نماییم (هندی، ۱۴۱۶ هـ، ج ۲، ص ۶۸)، استدلال مذکور در صورتی پذیرفته است که واقعاً دلیلی بر حیض شمردن خون مشکوک به حیض به جز قاعده امکان وجود نداشته باشد، در حالی که علاوه بر اجماع فقها، در برخی روایات، خونی که در هنگام عادت از زن واجد عادت وقتیه یا عددیه یا نزدیک زمان آن ساری می‌شود، اگر چه فاقد صفات باشد حیض به شمار آمده است (البحنوردی، ۱۳۸۹ هـ، ج ۱، ص ۲۴).

در بعضی از روایات خونی که زن فاقد عادت وقتیه می‌بیند در صورتی که واجد صفات حیض باشد، حیض به شمار آمده است (الحرالعالمی، ۱۳۹۱ هـ، ج ۲، ص ۲، باب ۳). همچنین روایاتی که متضمن مفاد قاعده امکان هستند جایی را برای استدلال مذکور باقی نمی‌گذارند، لذا استدلال مذکور برای اثبات قاعده امکان قابل پذیرش نمی‌باشد.

## ۵- روایات

۱- روایت موثقه یونس بن یعقوب از امام صادق (علیه السلام): یونس بن یعقوب می گوید به امام صادق عرض کردم، زنی سه یا چهار روز خون می بیند (حکم او چیست؟) امام فرمود: نماز را به جا نیاورد عرض کردم: سپس سه یا چهار روز پاک است (تکلیف او چیست؟) فرمود: نماز را بجای آورد. عرض کردم: سپس سه یا چهار روز خون می بیند؟ (چه باید بکند؟) فرمود: نماز را رها کند. عرض کردم: سه یا چهار روز پاک است (وظیفه او چیست؟) فرمود نماز را بجای آورد. عرض کردم سپس سه یا چهار روز خون می بیند (حکم او کدام است؟) فرمود نماز را رها کند. اگر خون از او قطع شد بین این ایام و بین ماه نمازش را بجای آورد و اگر خون قطع نشود، استحاضه است (الحر العاملی، ۱۳۹۱ هـ، ج ۲، باب ۲) این روایت از نظر سند و از منظر رجالی موثق تلقی می شود و از نظر دلالت در مقام بیان حکم زنی است که خون او به صورت متناوب استمرار دارد و عادتش بر او مشتبه شده است، به این علت در هنگام رؤیت خون باید به وظیفه حائض پایبند باشد، زیرا احتمال می رود که حیض باشد و هنگام دیدن پاکی باید تکلیف مربوط به زن پاکیزه از حیض را انجام دهد تا وضعیت او روشن گردد. بنابراین نمی توان آن را ناظر به قاعده امکان دانست و بر آن تطبیق نمود (الچنوردی، ۱۳۸۹ هـ، ج ۱، ص ۲۶-۲۷). برخی فقها تصریح نموده اند صدر روایت نسبت به قاعده امکان دلالت دارد و روشن است حکم حیض در ایامی که این زن خون می بیند و حکم طهر در ایامی که خود را تا پایان ماه پاک می یابد، نمی تواند حکم واقعی به شمار آید. زیرا در حکم حیض شرط است که بین دو حیض حداقل ده روز فاصله باشد که این ده روز اقل طهر می باشد بنابراین فراهایی از روایت باید تأویل برده شود (الخویی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۶، ص ۲۴۴؛ الحکیم، ۱۳۹۱ هـ، ج ۳، ص ۲۳۶).

بعضی از فقها معتقدند تعمیم مدلول روایت نسبت به خونی که فاقد صفات حیض شد محل بحث است و اصولاً روایت اختصاص به موردی دارد که رؤیت خون مسبوق به حیض است و غیر از آن را شامل نمی شود (سبزواری، ۱۴۱۳ هـ، ج ۳، ص ۱۷۳)، و بعضی دیگر بر این باورند که درحقیقت روایت در مقام حکم حیض مستقل نیست بلکه در مقام بیان ادامه حیض است و نمی توان از آن قاعده امکان را استظهار نمود (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۳، ص ۱۶۸).

بنابراین با تعمق در سؤال‌های یونس بن یعقوب و پاسخ‌های امام (علیه السلام) در همه فرازهای روایت در می‌یابیم که مورد سؤال زنی است که عادت بر او مشتبه شده است و امام (علیه السلام) وظیفه او را بیان داشته‌اند لذا مورد سؤال از مصادیق جریان قاعده امکان به شمار نمی‌آید.

**۲- روایت موثقه سماعه:** سماعه می‌گوید که از امام ابوالحسن (علیه السلام) سؤال کردند زنی قبل از وقت حیضش خون ببیند (حکم او چیست؟) امام (علیه السلام) فرمودند: چنانچه قبل از وقت حیض خون ببیند، باید نماز را رها نماید، زیرا چه بسا ایام عادت جلو می‌افتد «فانه ربما تعجل بها الوقت...» (الحر العاملی، ۱۳۹۱ هـ، ج ۲، باب ۱۳، ح ۱) این روایت از نظر رجالی موثق است و از نظر دلالت در مقام توسعه زمان حیض برای زن دارای عادت وقتیه است یعنی جلو افتادن خون برای یک یا دو روز او را از واجد عادت وقتیه خارج نمی‌کند این روایت ناظر به قاعده امکان نمی‌باشد (البحرینوردی، ۱۳۸۹ هـ، ج ۱، ص ۲۷).

بنابراین نمی‌توان در هر موردی که خون مردد بین حیض و استحاضه است آن را حیض به شمار آورد، زیرا روایت اختصاص به زن واجد عادت وقتیه دارد، یعنی صاحب عادت وقتیه اگر یک یا دو روز پیش از ایام حیض یا بعد از ایام حیض خونی ببیند و مردد باشد که حیض است یا استحاضه، آن را حیض تلقی می‌نماید. روایت از اطلاق برخوردار نیست و زنان فاقد عادت وقتیه یعنی مبتدئه، مضطربه و ناسیه را شامل نمی‌شود (الخویی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۶، ص ۲۴۶).

به زعم ما استعمال «رُبَّ» در روایت بیانگر این معنی است که اخبار تعجیل اختصاص به عادت وقتیه ندارد از طرف دیگر تعلیل به تعجیل، ظهور در این معنی دارد که ملاک در حیض شمردن احتمال حیض و عدم منع است. بنابراین تمامی اصناف زنان می‌توانند مشمول حکم مذکور باشند.

**۳- روایت صحیح عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام):** عبدالله بن سنان می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره زن باردار سؤال نمودم که اگر خونی ببیند، آیا باید نمازش را ترک نماید؟ حضرت فرمودند: نعم ان الحبلی ربما قذفت بالدم؛ «بله همانا زن باردار گاهی خون می‌بیند» (الحر العاملی، ۱۳۹۱ هـ، ج ۲، ص ۳۳۰) این روایت از نظر علم صحیح تلقی

می‌شود و از نظر دلالت، مراد از دم در فراز «ان‌الحلی ریمما قذفت بالدم» خون حیض می‌باشد. به کارگیری کلمه «ریمما» برای رفع احتمال عدم حیضیت است. در حقیقت سؤال کننده از حکم خونی پرسیده است که احتمال می‌داده آن خون حیض نباشد. چه بسا او گمان می‌کرده است که زن باردار، خون حیض نمی‌بیند. والا اگر سؤال کننده به حیض بودن خون عالم بود، وجهی برای طرح سؤال باقی نمی‌ماند و اینکه امام حکم به حیض بودن خون نمودند به این دلیل بود که احتمال می‌رفت آن خون حیض باشد. بنابراین روایت صحیح، با تعلیلی که امام بیان فرمودند بر قاعده دلالت می‌نماید، یعنی هر خونی که احتمال دارد حیض باشد و دلیلی نیز بر عدم حیض بودن آن وجود نداشته باشد، حیض به شمار می‌آید؛ زیرا اگر خون محتمل الحیضیه در زن باردار حیض است، به طریق اولی خون محتمل الحیضیه در زن غیر باردار، حیض به شمار می‌آید. چون تحقق حیض در زن باردار نادر و در غیر باردار کثیر می‌باشد (الخویی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۲، ص ۲۴۳).

اصولاً استعمال لفظ ریمما که برای تکثیر وضع شده است و برای رفع استبعاد است (شیخ انصاری، ۱۴۱۳ هـ، ص ۳۲۳ - ۳۲۴). بنابراین به استناد دلیل اولویت و دلالت لفظ ریمما در رفع استبعاد حیض بودن می‌توان دلالت روایت را بر قاعده امکان تمام دانست.

**۴- روایات تمیز حیض از خون عذره:** در این روایات بیان شده است که برای تمیز خون حیض از عذره باید پنبه‌ای داخل نمود. اگر خون به حالت حلقوی روی پنبه نقش بندد، آن خون عذره است ولی اگر خون در پنبه فرو رود آن خون، خون حیض است (الحرالعاملی، ۱۳۹۱ هـ، ج ۲، باب ۲ عذره).

استدلال به روایات مذکور در صورتی تمام است که این روایات از عموم و شمول برخوردار باشند، به نحوی که هر خون مشتبّه الحیضیه با این معیار سنجیده شود و در صورتی که فاقد علامت عذره باشد، حیض تلقی شود. این استدلال در حالی است که در این روایات اماره و معیار تشخیص حیض در فرض اشتباه با خون عذره ارائه شده است، پس نمی‌تواند ناظر به قاعده امکان باشد (البحروردی، ۱۳۸۹ هـ، ج ۱، ص ۲۸).

برخی از فقها استدلال به این روایات را بر قاعده امکان عجیب دانسته‌اند، زیرا اولاً- روایت مورد اشتباه در خون حیض و عذره را بیان می‌دارد که و با نفی خون عذره، حیض

ثابت می‌شود لذا به قاعده امکان نیازی نیست؛ ثانیاً - اگر بنا باشد به قاعده امکان رجوع شود دیگر نیازی به اختبار نیست (النجفی، ۱۹۸۱ هـ، ج ۳، ص ۱۶۸).

#### ۵ - روایات استظهار برای صاحب عادت: بر اساس اخبار و روایات استظهار چنانچه

صاحب عادت بعد از ایام عادت خونی را ببیند، بنا بر احتیاط مستحب باید صبر نماید تا وضعیت او مشخص شود، چنانچه خون پیش از ده روز قطع گردد، غسل کند و نماز بخواند و اما اگر از ده روز تجاوز نمود، استحاضه تلقی گردد (الحرالعاملی، ۱۳۹۱ هـ، باب ۱۳، ابواب الحیض). به هر حال او باید بنا به احکام حائض رفتار نماید یعنی عبادت را ترک و از محرّمات حائض اجتناب کند تا وضعش مشخص شود.

اطلاق روایات مذکور ایجاب می‌نماید که در غیر صاحب عادت به طریق اولی باید صبر نماید، چون محتمل الحیضیه است. در صورت عدم تجاوز از ده روز امکان حیض وجود دارد که در این صورت باید آن خون را حیض به شمار آورد و این همان مفاد قاعده امکان است با این وجود برخی از فقها معتقدند که استدلال به این روایات برای نفی قاعده امکان اولی است (النجفی، ۱۹۸۱ هـ، ج ۳، ص ۱۶۸). به نظر می‌رسد روایات استظهار مبین احتیاط می‌باشند (البحروردی، ۱۳۸۹ هـ، ج ۱، ص ۱۲۹). بعضی فقیهان بر این باورند که احتمال دارد وجه اخبار استظهار، جریان استصحاب در خون حیض باشد نه ثبوت قاعده امکان، علاوه بر آن این اخبار اختصاص به مورد خود دارند (الحکیم، ۱۳۹۱ هـ، ج ۳، ص ۲۳۷). بنابراین لسان روایات استظهار، مبین این مبنی است که تنها صاحب عادت باید جانب احتیاط را رعایت نماید تا نسبت به برائت ذمه خویش از تکالیف واقعی مربوط به حائض قطع حاصل نماید. لذا قابلیت روایات مذکور به صراحت بر اثبات قاعده امکان دلالت ندارد.

#### ۶ - روایات افطار زن روزه‌دار با رؤیت خون: بر اساس این روایات، زن روزه‌دار با

رؤیت خون باید افطار نماید (الحرالعاملی، ۱۳۹۱ هـ، باب ۵، از ابواب الحیض). یعنی خون دیده شده امکان دارد که حیض باشد و او باید آن را حیض به شمار آورد و آثار آن را بر خود مترتب نماید ولی واقعیت این است که این روایات در مقام بیان لزوم افطار به جهت دیدن خون حیض به صورت مطلق است و لذا در مقام جعل حیضیت برای محتمل الحیضیه

نمی‌باشد (الحکیم، ۱۳۹۱ هـ، ج ۳، ص ۲۳۷). از مجموع مباحث ارائه شده نتیجه می‌گیریم، اگر چه در دلالت برخی از روایات بر مفاد قاعده امکان مناقشه وجود دارد ولی دلالت برخی از روایات به ویژه روایاتی که متضمن علل حکم هستند مانند صحیحہ عبدالله بن سنان بر قاعده امکان قابل پذیرش می‌باشد.

## اجماع

برخی از فقها بر مفاد قاعده امکان ادعای اجماع نموده‌اند. علامه حلی در «نهایه الاحکام» و «قواعد الاحکام» و «منتهی المطلب» و شیخ طوسی در «خلاف» و مؤلف «مفتاح الکرامه» و مؤلف «جامع المقاصد» بر قاعده امکان ادعای اجماع نموده‌اند. از این فقها برخی ادعای اتفاق اصحاب و برخی دیگر ادعای عدم خلاف بین اصحاب نموده‌اند. ولی نحوه تلقی اجماع کنندگان یکسان نیست. برخی به نفس اتفاق تکیه کرده‌اند و برخی دیگر بر اصالت سلامت، بعضی دیگر اجماع را بر پایه روایات مبتنی نموده‌اند (الجنوردی، ۱۳۱۹ هـ، ج ۷، ص ۳۰).

بدین جهت گروهی از فقها بر اجماع مذکور اشکال نموده‌اند و اظهار داشته‌اند اجماع مذکور تعبدی نیست بلکه اجتهادی است (الموسوی السبزواری، ۱۴۱۳ هـ، ج ۳، ص ۱۷۱). به نظر ما تحقق اجماع از مسلمات فقهی است ولی کاشفیت آن مستقل از فرمایش معصوم (علیه السلام) پذیرفته نیست، زیرا اجماع مذکور مدرکی بوده و دلیل مستقل از روایات به شمار نمی‌آید.

## گفتار سوم - اصل یا اماره بودن قاعده امکان و قلمرو آن

### ۱- قاعده امکان اصل عملی<sup>۱</sup>

۱- اصل عملی: اصل عملی، دستور العمل عقلی و شرعی است که به هنگام جهل و تردید در احکام واقعی، از ناحیه شارع و عقل، تشریح و دارای اعتبار می‌گردند و غرض از این قواعد و اصول، خارج کردن مکلف از حیرت و تردید در مقام عمل است. بدیهی است زمانی که مکلف از رسیدن به حکم واقعی مأیوس می‌گردد، از این اصول بهره می‌گیرد.

مجرای قاعده امکان، شک نسبت به حیض بودن خونی است که منع شرعی و در حیض به شمار آوردن آن وجود ندارد، بنابراین می‌توان آن را اصل عملی و حکم ظاهری تلقی نمود. بدیهی است چنان که خونی واجد صفات و ویژگیهای معتبر در حیض باشد واقعاً حیض به شمار می‌آید و آثار و احکام حیض به استناد حکم واقعی بر آن مترتب می‌گردد ولی چنانچه نسبت به حیض بودن آن خون تردید وجود داشته باشد محل و مجرای حکم ظاهری<sup>۱</sup> شکل می‌گیرد و ظاهراً حیض تلقی می‌شود و آثار و احکام حیض بر آن مترتب می‌گردد لذا اگر قاعده امکان اصل عملی باشد، در مواردی که اماراتی چون اخباری که خون در غیر ایام حیض را استحاضه دانسته یا اخباری که خون ایام عادت را عادت حیض دانسته است قاعده امکان جریان ندارد، زیرا امارات بر اصول عملیه ورود دارند، یعنی با وجود امارات دلیل موضوع اصل عملی نابود می‌گردد، زیرا موضوع اصول عملیه شک است و با آمدن امارات، شک منتفی می‌گردد و دیگر نوبت به اصل نمی‌رسد.

## ۲- قلمرو قاعده امکان

یکی از مباحث مهم در زمینه قاعده امکان، قلمرو آن است، فقها در زمینه قلمرو و امکان اختلاف نظر دارند. بسیاری از فقها آن را مختص شبهه موضوعیه دانسته‌اند. و بعضی آن را شامل شبهه موضوعیه و حکمیه<sup>۲</sup> به شمار آورده‌اند.

۱- حکم شرعی به دو قسم واقعی و ظاهری تقسیم شده است؛ حکم شرعی واقعی، عبارت است از حکمی که از ناحیه شارع مقدس به ملاحظه ذوات اشیاء با قطع نظر از علم و جهل مکلف، جعل و تشریح می‌گردد. مانند حکم وجوب برای نماز که علم و جهل مکلف در ثبوت و عدم ثبوت حکم وجوب دخالتی ندارد. در مقابل حکم شرعی ظاهری، عبارت است از حکمی که به ملاحظه جهل مکلف نسبت به واقع، از سوی شارع مقدس جعل گردیده است، یعنی شارع مقدس برای مواردی که مکلف جاهل به حکم واقعی و مورد در آن باشد احکام و وظایفی را مقرر نموده است که از آنها به حکم ظاهری یاد می‌شود مانند قاعده طهارت «کل شیء لک طاهر» و اصل برائت. حکم شرعی واقعی و ظاهری در طول هم هستند یعنی در واقع حکمی باید وجود داشته باشد تا مکلف نسبت به آن شک یا جاهل باشد تا نوبت به حکم ظاهری برسد.

۲- شبهه موضوعیه: عبارت است از این که متعلق شک مکلف، موضوعی از موضوعات خارجی و امری از امور خارجی یا حکم شرعی جزئی که مربوط به همین موضوع خارجی می‌گردد باشد؛ یعنی منشأ شبهه امور خارجی باشد نه خطاب شارع. مانند این که مکلف تردید می‌نماید این مایع شراب است یا



بر اساس جریان قاعده امکان در شبهه موضوعیه، زنی که خونی را ببیند و نسبت به حیض بودن آن تردید داشته باشد و مانع شرعی یا عقلی بر حیض دانستن آن وجود نداشته باشد، او دچار شبهه موضوعیه شده و می‌تواند به استناد قاعده امکان، آن خون را حیض تلقی نماید.

همچنین اگر زنی نسبت به حیض بودن خونی شک نماید، در حالی که شک او ناشی از شک در اعتبار توالی از ناحیه شارع برای خون حیض باشد یا منشأ شک او تردید در اعتبار قید عدم باردار بودن برای خون حیض از ناحیه شارع باشد، شبهه حکمیه برای او محقق شده است و در فرض شمول قاعده نسبت به شبهات حکمیه، او می‌تواند به استناد قاعده امکان در صورتی که مانع دیگر شرعی وجود نداشته باشد خون مذکور را حیض بداند. از آنجایی که ما مستند قاعده امکان را برخی از اخبار و روایات مانند صحیح عبدالله بن سنان دانسته‌ایم و نوع روایات مذکور ناظر به شبهات مصداقیه است لذا شمول آن را نسبت به شبهات موضوعیه می‌پذیریم ولی شمول آن نسبت به شبهات حکمیه نیازمند به دلیل است و دلیلی بر فراگیری آن در دست نیست.

#### گفتار چهارم - کاربرد قاعده امکان

قاعده امکان در امور عبادی و برخی مناسبات حقوقی زنان دارای آثار است که در این نوشتار تنها به ارائه فهرستی از آن بسنده می‌شود، زیرا ارائه تمامی مبانی و مباحث تفصیلی آن نیازمند به مقاله‌ای مستقل می‌باشد.

#### ۱- آثار قاعده امکان در زمینه مسائل عبادی

سرکه؟ این ماده خوراکی که از بازار تهیه شده، پاک است یا نجس؟ یا شک داریم این مایع خارجی حلال است یا حرام؟ که در مثال اول، اصل برائت و در مثال دوم، اصل طهارت و در مثال سوم، اصل حلیت جاری می‌گردد.

شبه حکمیه: عبارت است از این که متعلق شک مکلف، حکم شرعی باشد. مانند این که مکلف نمی‌داند آیا مسواک کردن واجب است یا خیر؟ یا نماز در سر چهار فرسخی به صورت شکسته واجب است یا تمام؟ که در مثال نخست اصل برائت جاری می‌شود و در مثال دوم اصل احتیاط اعمال می‌گردد.



بر اساس قاعده امکان، زنی که خویشتن را حائض می‌داند، باید از محرمانی نظیر عبادات مشروط به طهارت مانند نماز (به جز نماز میت)، روزه، طواف و اعتکاف اجتناب نماید. همچنین مس خطوط قرآن کریم و اسما خداوند متعال و خواندن سوره‌ای یا بنا بر بعضی فتاوی آیه‌ای که سجده واجب دارد، بر او حرام می‌باشد.

رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود و توقف در مساجد دیگر بر او حرام می‌باشد. حکم ظاهری به حیض به استناد قاعده امکان مانند حیض واقعی نماز و روزه را باطل می‌کند و مستحب است حائض وقت نماز، خود را از خون پاک کند و پنبه آلوده را عوض کرده و وضو بگیرد و رو به قبله بنشیند و به ذکر و دعا و صلوات بپردازد. همچنین قاعده امکان غسل و قضا و جبران بعضی از اعمالی را که در حال حیض و به جهت آن فوت شده است، بر زن حائض واجب می‌سازد. هریک از احکام مذکور دارای مبانی فقهی مستحکمی است که مباحث تفصیلی آن در کتب فقهی آمده است.

## ۲- کاربرد قاعده امکان در زمینه حقوق زنان

بدون تردید آثار قاعده امکان در امور عبادی خلاصه نمی‌شود، بلکه در مناسبات حقوقی زنان مؤثر می‌افتد که به فهرست برخی از موارد و مصادیق آن به اجمال اشاره می‌گردد:

- الف - زنی که به استناد قاعده امکان خود را حائض می‌داند چنان که از وظیفه زناشویی امتناع ورزد و از مباشرت استنکاف نماید ناشزه تلقی نمی‌گردد.
- ب - زنی که در عده طلاق است چنان که خونی را ببیند که منع شرعی در حیض به شمار آوردن آن وجود نداشته باشد، آن را حیض به شمار می‌آورد و در نتیجه اگر حیض سوم بعد از طلاق باشد با اتمام آن عده خارج شده و می‌تواند دوباره ازدواج نماید.
- ج - زن مشکوک القریشیه چنان که خونی را در سنین ۵۰ تا ۶۰ سالگی ببیند که برای او حیض بودن آن مشکوک باشد، می‌تواند به استناد قاعده مذکور خون را حیض تلقی نماید و در نتیجه بنا بر احکام حائض رفتار نماید لذا بعد از طلاق باید عده نگهدارد.

ممکن است برخی توهم نمایند که آثار یاد شده از لوازم عادی یا عقلی یا عرفی قاعده امکان است. در حالی که قاعده امکان یک اصل عملی است و نمی‌تواند لوازم خود را اثبات کند به تعبیر دیگر اثبات موارد مذکور به استناد قاعده امکان با محذور اصل مثبت<sup>۱</sup> روبه‌رو خواهد شد. لذا نسبت به آنها حجت و معتبر نمی‌باشد یعنی کارکردهای مذکور را نمی‌توان با قاعده امکان اثبات نمود. در پاسخ به اشکال مذکور می‌توان گفت، چنان که اصل عملی آثار شرعی بلاواسطه را در موضوع اثبات نماید، چنین اثری از حجیت لازم برخوردار است، مانند این که با استصحاب کردن حیات زید، حکم وجوب نفقه را اثبات نماییم این اصل عملی استصحاب مثبت حکم وجوب نفقه است و حجت و معتبر نیز می‌باشد. در زمینه قاعده امکان نیز چنانچه اثر شرعی بلاواسطه اثبات شود، دلیلی بر عدم اعتبار آن وجود ندارد. بلکه آنچه از روایات مربوط به قاعده امکان به ذهن متبادر می‌شود، این است که آثار و لوازم شرعی حیض، در خون مشکوک به حیض باید مترتب گردد. اما آثار عقلیه و عادیه حیض چون وضع و رفع آنها در دست شارع به ما هو شارع نیست، شمول دلیل شرعی قاعده امکان قرار نمی‌گیرد و دلیل دیگری نیز بر شمول آن وجود ندارد. بنابراین آثار شرعی‌ای که متعلق نفس عنوان حیض است، از قبیل حرمت ورود به مسجد یا حرمت مباشرت یا خروج از عده بعد از اتمام حیض سوم، با قاعده امکان اثبات می‌گردد.

**نتیجه گیری:** گزاره «کل دم یمكن ان یکون حیضاً فهو حیض» قاعده فقهی اختصاصی زنان است. مراد از امکان در این قاعده امکان قیاسی شرعی است. مهمترین مستند قاعده امکان برخی روایات هستند که در آنها ضرورت حکم به حیض به احتمال حیض با عدم منع شرعی معلل گشته است.

- قاعده امکان از اصول مهم عملی است که مشتمل بر حکم ظاهری حیض به شمار

---

۱- اصل مثبت: اصل عملی فقط در حدود مفاد آن قابل استناد است نه نسبت به لوازم عادی یا عقلی یا عرفی آن، بنابراین استناد به آن لوازم به این معنی است که آن اصل مثبت، لوازم خود نیز هست. در حالی که عالمان علم اصول معتقدند اصول عملیه به خلاف امارات ظنیه از قابلیت اثبات لوازم خود برخوردار نیستند.

آوردن خون محتمل الحيضيه است.

- قاعده امکان در شبهه موضوعيه جاري است ولي جريان آن در شبهات حکميه محل تأمل است.

- قاعده امکان داراي آثار و احکام فراواني در زمينه مسائل عبادي است.

- قاعده امکان علاوه بر اين که بر آثار شرعي عبادي بر حائض دلالت مي نمايد، در زمينه مناسبات حقوقي زنان در زمينه طلاق يا نکاح نیز مؤثر مي افتد.



پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي  
پرتال جامع علوم انساني

## منابع وماخذ

- ✓ الانصاری، شیخ مرتضی، کتاب الطهاره، قم، انتشارات باقری، ۱۴۱۳هـ
- ✓ البجنوردی، میرزا حسن، القواعد الفقیهه، نجف اشرف، مطبعه الأدب، ۱۳۸۹هـ
- ✓ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دانشنامه حقوقی، تهران، انتشارات مشعل آزادی، ۱۳۵۸
- ✓ الحرعاملی، محمد بن احسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱هـ
- ✓ حسینی مراغی، میر عبدالفتاح، العناوین، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷هـ
- ✓ الخوی، سید ابوالقاسم، التنقیح فی شرح عروۃ الوثقی، قم، مؤسسه انصاریان للطباع و النشر، ۱۴۱۴هـ
- ✓ شهید ثانی، زین الدین بن نورالدین علی بن احمد عاملی، مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم، مؤسسه معارف اسلامیة، ۱۴۱۳هـ
- ✓ الطباطبائی الحکیم، سید محسن، مستمسک العروۃ الوثقی، نجف اشرف، مطبعه الأدب، ۱۳۹۱هـ
- ✓ العاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۲۴هـ

- ✓ علامه حلی، ابو منصور جمال الدین حسین بن سدید الدین یوسف بن علی بن مطهر، *متہی المطلب فی تحقیق المذہب*، مشہد، مجمع البحوث الاسلامیہ، ۱۴۱۲ھ
- ✓ فاضل ہندی، بہاء الدین محمد بن حسن، *کشف اللثام عن قواعد الاحکام*، قم، مؤسسہ النشر الاسلامی لجامعہ المدرسین، ۱۴۱۶ھ
- ✓ مکی، محمد بن جمال الدین، *القواعد و الفوائد*، تہران، کتابخانہ مدرسہ عالی شہید مطہری، چاپ سنگی، بی تا
- ✓ الموسوی الخویی، سید ابوالقاسم، *المحاضرات فی اصول الفقہ*، قم، دارالہادی للطبوعات، ۱۴۱۰ھ
- ✓ الموسوی السبزواری، سید عبدالاعلی، *مہذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام*، قم، مطبعہ السیارہ، ۱۴۱۳ھ
- ✓ الموسوی العاملی، سید محمد بن علی، *مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام*، قم، مؤسسہ آل البیت لاحیا التراث، ۱۴۱۰ھ
- ✓ النجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م
- ✓ ہمدانی، رضا بن محمد بن ہادی، *مصباح الفقہیہ*، قم، مؤسسہ الجعفریہ لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ھ

پروپشکاء علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی